



میرزا علی خان خطیب‌لوی خمسه‌ای از روزنامه‌نگاران دوره قاجار

بهمن خطیبی^۱

چکیده:

این مقاله نگاهی دارد به زندگی و فعالیت‌های میرزا علی خان خطیبی (خطیب‌لو) خمسه‌ای فرزند میرزا یوسف خان دفترنویس خمسه که از اهالی قلم و اصحاب مطبوعات و روزنامه‌نگاران برجسته در دوران حساس مشروطه و اواخر دوره‌ی قاجار بود و در بسیاری از نشریات تهران سمت سردبیری و مدیریت داخلی داشت. وی همچنین سردبیر و یکی از بنیانگذاران نشریه‌ی پروین خمسه نخستین نشریه‌ی محلی زنجان است.

واژگان کلیدی:

میرزا علی خان زنجانی، خطیب‌لوی خمسه‌ای، سعید نفیسی، میرزا عیسی قانونخواه زنجانی، روزنامه ترقی، روزنامه ایران، روزنامه اطلاعات، روزنامه ناصرالمله، روزنامه صبح صادق، روزنامه پروین خمسه.

مقدمه

منطقه‌ی خمسه و زنجان به علت نزدیکی به دارالخلافه‌ی تهران و موقعیت خاص جغرافیایی از ادوار گذشته از جایگاه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بالایی برخوردار بوده است و شخصیت‌های علمی و فرهنگی زیادی از این منطقه برخاسته‌اند و در عین گمنامی تاثیر فراوانی در تختگاه تهران و دیگر مناطق کشور داشته‌اند بطوری که تعدادی از این شخصیت‌ها در برخی جنبش‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی دو سده‌ی اخیر منطقه‌ی خمسه و تهران نقش اساسی ایفا کرده‌اند. شخصیت‌هایی مانند آخوند ملاقربانعلی زنجانی، میرزا ابوطالب زنجانی، شیخ ابراهیم قزلباش زنجانی، میرزا عیسی قانون خواه زنجانی و یکی از این شخصیت‌های تاثیرگذار میرزا علی‌خان خطیب لوی خمسه‌ای فرزند میرزا یوسف خان دفترنویس خمسه که از اهالی قلم و اصحاب مطبوعات و روزنامه نگاران برجسته در دوران حساس مشروطه و اواخر دوره‌ی قاجار بود و در بسیاری از نشریات تهران سمت سردبیری و مدیریت داخلی داشت.

تولد و تحصیلات

میرزا علی‌خان خطیبی زنجانی (خطیب‌لوی خمسه‌ای) فرزند ارشد میرزا یوسف خان دفترنویس^۱ سررشته‌دار دارالحکومه‌ی خمسه در دوره‌ی ناصرالدین شاه قاجار بود. وی در سال ۱۲۹۳ هـ. ق در خانواده‌ای مذهبی و طرفدار علم و ادب و آزادیخواه در شهر زنجان تولد یافت و تحصیلات مقدماتی و عالییه را در محل تولد خویش فرا گرفت. میرزا علی‌خان از ابتدا در محیط دفتری و دیوانی پرورش یافته بود لذا علاقه‌ی وافری به نوشتن و افزایش سطح سواد و علم داشت. وی به

۱- میرزا یوسف خان خطیب‌لوی خمسه‌ای (بیاض نویس یا دفتر نویس) فرزند میرزا اسماعیل (برادر ابراهیم خان مظفرالدوله‌ی اول) فرزند میرزا حاجی (حاجی میرزا معزالدین) فرزند میرزا محمد فرزند میرزا عرب فرزند میرزا عبدالحسین ملاباشی بود. میرزا یوسف خان از ابتدای جوانی یکی از محررین و دفتر نویسندگان برجسته‌ی دارالحکومه‌ی زنجان بود که هم در قلم فرسایی، مکتوبه‌نویسی و مکاتبات حکومتی از قبیل محاسبات مواجب و مستمری رجال دیوانی ید طولایی داشت و هم دارای خطی روان و زیبا بود. در روزنامه‌ی ایران در ذکر اخبار و وقایع سنه‌ی ۱۲۹۵ ق و اقدامات میرزا یوسف دفتر نویس آورده است: "خمسه این ولایت نهایت منظم است، نواب والا [عباس میرزا] ملک آرا حکمران ولایات خمسه و توابع در جزئی و کلی امور حکمرانی، موجبات آسایش و فراغت رعایا و رسیدگی به کارهای عموم مردم از اهل شهر، بلوک و طوایف ایلات به شخصه اهتمام حسنه و مساعی جمیله مبذول می‌دارند. مخصوصاً در احقاق حقوق و توجه به عرایض ملهوفین مجتهد می‌باشند. و همه روزه از دو ساعت از روز برآمده تا غروب آفتاب در دیوان عدالت نشستند، اوقات خود را صرف به مشاغل مزبور می‌نمایند اگر احياناً یکی از اشرار مصدر شرارتی شود و بدون تأمل و تعلل تنبیه می‌شود. میرزا یوسف و سایر اهالی دفتر خانه همه روزه در دفتر خانه مشغول محاسبات و خدمات می‌باشند." روزنامه‌ی ایران (۱۳۰۰ - ۱۲۸۸ ق) ، مورخ ۲۷ جمادی الاول سنه‌ی ۱۲۹۵، شماره‌ی ۳۵۵، ص ۲.



همین خاطر در دوره‌ی جوانی یعنی حدود بیست و دو سالگی جهت ادامه‌ی تحصیل و همچنین گرفتن مقامات دولتی به تهران مهاجرت نمود. ایشان با توجه به نفوذ آقاخان مظفرالدوله در دربار قاجار ابتدا در دربار مظفرالدین شاه به عنوان مشرف در اداره شکار سلطنتی مشغول به کار شد و چندین سال در آن مسؤولیت ماند.

ورود به عالم مطبوعات

با وزیدن نسیم آزادی‌خواهی مشروطیت در سال ۱۳۲۴ هـ. ق وی با توجه به روحیه‌ی آزادی‌خواهی و رفع ظلم از مردم ستم‌دیده، از کارهای دیوانی فاصله گرفته و وارد عالم مطبوعات گردید و دیگر بعد از آن برخلاف هم‌قطاران و هم‌دوره‌ای‌های خود به امور سیاسی و گرفتن مقامات دولتی علاقه نشان نداد. در تمام طول زندگی‌اش پیوسته با کمال آزادی و آزاداندیشی همکار و هم‌کلام خادمین مطبوعات بود و با چیره‌دستی و پاکی قلم، اندوخته‌های علمی و اجتماعی، سیاسی و... خویش را در قالب مقالات سودمند و آگاهی‌بخش در نشریات مختلف چاپ و منتشر می‌کرد و سمت سردبیری و مدیریت داخلی بسیاری از روزنامه‌های دوره‌ی بعد مشروطه از جمله روزنامه‌های صبح صادق و ترقی را در تهران به‌عهده داشت و در سنگر مطبوعات در خدمت به ستم‌دیدگان و آزادی‌خواهان و طرفداران دولت مشروطه و میهن‌پرستان، انجام وظیفه می‌کرد. دفتر روزنامه‌ی صبح صادق که صاحب امتیاز آن مرتضی قلی‌خان مؤیدالملک بود در روز گلوله باران مجلس توسط لیاخوف روسی به گلوله بسته شد. روز گلوله باران مجلس شورای ملی را مشروطه‌چی‌ها یوم‌التوپ می‌گفتند. روزنامه‌ی ترقی به‌مدیریت میرزا محمدعلی‌خان تربیت که مقالات میرزا علی‌خان خطیبی و برادرش میرزا جوادخان در آن چاپ می‌شد نیز در ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ با کودتای محمدعلی شاه توقیف و محمدعلی‌خان تربیت دستگیر و در باغشاه زندانی شد.^۱

۱- محمد صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد ۲، صص ۱۲۴-۱۲۵. روزنامه‌ی ترقی به‌صاحب امتیازی میرزا محمدعلی‌خان تربیت تیریزی معروف به اسلامبولی در دوره مشروطه منتشر می‌شد و در شماره‌های ۴، ۶، ۷ و ۱۶ به مقالات میرزا علی‌خان خطیبی و برادرش میرزا جوادخان تحت عنوان علی‌ابن یوسف زنجانی و جوادبن یوسف زنجانی اشاره نموده است... ضمناً این میرزا جوادخان برادر میرزا علی‌خان خطیبی نیز از افراد اهل علم و اهل قلم بوده و در بسیاری از روزنامه‌های تهران به همراه برادرش قلم می‌زده است. همسر وی دختر خاله اش رحیمه خانم دختر حاج عباس حاج شامی بوده است و از او فقط یک دختر بنام حشمت خانم داشته که بعد از فوت زود هنگام جوادخان در تهران تحت سرپرستی برادرش میرزا علی‌خان قرار می‌گیرد. این حشمت خانم بعدها با البراهیم خان فرزند حاج محمدولی خطیبی ازدواج کرد. ضمناً بعد از فوت میرزا جوادخان همسرش رحیمه خانم به عقد ازدواج میرزا علی‌خان درآمد ولی از زندگی و اولاد میرزا ابوالقاسم خان دیگر برادر میرزا علی‌خان که در تهران ساکن بوده تا به حال اطلاعی بدست نیامده است.



نمونه‌ای از مقالات

میرزا علی‌خان خطیبی در مورد ضرورت شکل‌گیری مجلس سنا در دوره‌ی صدر مشروطه در یک قطعه‌ی ادبی - تخیلی تحت عنوان "رویای صادق‌یه یا خیال سریع الوقوع، آرزو بر جوانان عیب نیست"، چگونگی تهیه‌ی لوایح مورد نیاز دولت و تصویب آن توسط قوه مقننه را ترسیم می‌کند. در بخشی از آن قطعه‌ی ادبی، صنیع الدوله وزیر فواید عامه طرحی که برای ایجاد راه آهن در ایران تدوین کرده بود را به مجلس سنا ارائه می‌دهد. در آن قسمت می‌خوانیم:

"صنیع‌الدوله: لهذا بنا بر لزوم راه آهن، در چندی قبل بنده کتابچه‌ی مختصری در خصوص تسطیح خطوط و ترتیب کشیدن راه آهن نوشته، طبع کرده و منتشر نمودم و به انظار و کلاهی ملت و وزرای مملکت رسانیدم. چنانچه آن کتابچه‌ی مختصر مقدمه بود و همین قدر نتایج حسنه‌ی راه آهن را می‌نمود. اکنون لایحه‌ی مفصلی در این خصوص نوشته، ابتدا در مجلس شورای وزراء ارائه داده و فصول و مواد آن از تصویب وزراء گذشته و اینک آورده‌ام در مجلس مبعوثان و مجلس سنا خوانده شود و از تصویب مجلسین بگذرد. هرگاه مطبوع افتاد و تصویب شد معمول گردد."۱

نمونه‌ای دیگر از مقالات روشنگرایانه و در عین حال کوبنده‌ی میرزا علی‌خان خطیبی را که در مورد وکلا و نمایندگان دور اول مجلس شورای ملی نوشته و در روز چهارشنبه ۲۵ رجب ۱۳۲۵ ق در روزنامه‌ی صبح صادق چاپ شده می‌آوریم:

"قابل توجه وکلاهی ملت

به شرف عرض وکلاهی محترم و امنای معظم می‌رساند:

آخر ای منتخبین معظم، آخر ای ممتحنین، از ششصد سال قبل تا حال جان‌کنده شده، تجربه‌ها به عمل آمده، ترتیباتی برای مشروطیت معین گشته، پروگرام‌ها تدوین گردیده که امروز هر ملتی خواست از قید عبودیت و رقت خود را خلاص نماید [و] از حضيض ذلت به اوج عزت برسد آن قواعد و قوانین را با قوانین مذهبی خود تطبیق نموده به هدایت آنها عازم مقصود گردند به مشکلات نیفتند از صراط مستقیم منحرف نشوند، لهذا هرگاه جنابان شما بخواهید یک ترکیب

۱- کوهستانی نژاد مسعود، تاریخچه‌ی مجلس سنا، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، سال ۱۳۹۰، صص ۸۳ و ۱۱۴. روزنامه‌ی صبح صادق، شماره‌ی ۳۱، سال ۱۳۲۵ ق، ص ۱. و شماره ۲۰۶ صص ۱-۲. و شماره‌ی ۲۰۷، ۳۰ ذی‌قعدة سال ۱۳۲۵ ق، صص ۱-۲.



مشروطیت علی‌حدّه خودتان اختراع فرمایید در صورتی که افراد این هیأت حاضر، عالم بر علوم عصر، محیط بر عادات ملت و واقف بر اوضاع مملکت بشوید تا ششصد سال وقت لازم دارد. در صورتی که خودتان بهتر می‌دانید دیگر به هیچ وجه برای ایران و ایرانیان و ما بیچارگان وقت نیست هر گاه یک اندک هم تضييع وقت بشود جمعی در پارلمنت انگلیس و در مجلس قانون‌گذار پطرزبورغ حاضرند که از جنابان شما رفع زحمت نموده قوانین بسیار نازنینی بار کرده به صندوق توپ‌های شریپنل خوش‌ترکیب خوش‌آوازی به توسط قاصدهای عزیز مهربان گل‌عداری برای ایران به عنوان سوغات بفرستند در واقع زحمت شما را کم بکنند و آنگاه آن قوانین برای ما و شما به زبان بی‌زبانی حکایت‌ها بکنند و فرمایشات بفرماید مهربانی‌ها بنماید آوازه بخواند منجمله آزادی مطلق برای زن‌ها، حمالی نمودن آقایان بی‌علم در فابریک‌ها (کارخانه‌ها)، مجبور گردیدن وزرا و عمال (کارمندان) در آخر عمر به شاگردی مدرسه ابتدائی، موقوف شدن عبارت ملک من و رعیت من^۱ الی آخر.

در این صورت گویا جنابان شما هر گاه از آن قواعد معینه خارج بشوید و بخواهید به ترتیبی که خودتان می‌خواهید اختراع فرمائید و کار بکنید علاوه از آنکه پیش خدا و رسول خدا مقصر خواهید شد. مثل این نوع مشروطیت و اینگونه معالجه در حق ایران مثل مثل معروف است که می‌گویند اسبی را که در پیروی بسوقن گذراند برای میدان قیامت خوب است لاشک آن نوع مشروطیت به ما وصلت نخواهد داد و آن معالجه این مریض را زنده بگور خواهد کرد، در صورتی که تواریخ عالم به ما می‌گوید در هیچ یک از ممالک مشروطه در ابتدای امر برای وکلا به اندازه‌ی وکلای ایران قدرت فراهم نبوده برای آنها به این اندازه اسباب موجود نگردید. به این واسطه اولاً ایران در یک موقع به این صدد آمده که علماء و حکمای عصر کلیه مسائل مهمه را حل نموده علمی کرده روی کاغذ نوشته‌اند. ثانیاً برای وکلای سایر ممالک هزار جور موانع بوده بی‌قدرت با دولت طرف بوده می‌جنگیده‌اند اینجا دولت اظهار همراهی می‌نمایند. ثالثاً شما این همه مطیع و از جان گذشته دارید. رابعاً علمای آنها متفقاً مخالف بوده اینجا حجج‌الاسلام آقای آقاسید عبدالله و آقای آقاسید محمد و سایر علمای عظام کثرتاً امثالهم مثل پدر مهربان و لَبِی دلسوز با شما از همراهی گذشته خودشان کار می‌کنند.

۱ - منظور سلب مالکیت خصوصی و غلبه مرام کمونیستی است.



در هر حال از جنابان شما اولاً استدعای عاجزانه می‌نمایم در مواقع بیکاری گاهی از تواریخ خارجه بخوانید منجمله حالات "متیسکو"، "روسو" و "ولیترا" را ملاحظه فرمائید. ثانیاً یک اندک توجه به مراتب بدبختی این ملت از بابت بی‌علمی و بی‌ثروتی و بداخلاقی بیندازید از یک طرف تزلزل استقلال مملکت را ملاحظه فرمائید و آنگاه محض رضای پروردگار مشغول به وظیفه خود بشوید. (علی ابن یوسف زنجانی)^۱.

البته بخش اول این مقاله تحت عنوان خطاب به وکلای ملت در صفحه‌ی آخر نمره‌ی ۱۲۰ روزنامه‌ی صبح صادق چاپ شده بود که به لحاظ طولانی شدن مقاله فقط به این قسمت از مقاله بسنده گردید.

استاد سعید نفیسی در کتاب خاطرات خود به توانمندی و چیره‌دستی میرزا علی خان و تسلط وی به زبان فرانسه در امر مطبوعات و روزنامه‌نگاری اشاره کرده و می‌نویسد:

"در جنگ جهانی اول یک روزنامه بود به دو زبان فارسی و فرانسه. قسمت فرانسه‌ی آن انفرماسیون و قسمت فارسی آن اطلاعات نام داشت. مدیر آن مردی بود ارمنی به نام میشل حاجیان... قسمت فارسی آن را مردی اداره می‌کرد که من هرگز او را فراموش نخواهم کرد و رسماً سمت سردبیری و مسؤولیت قسمت فارسی را داشت. این مرد جالب میرزا علی‌خان زنجانی^۲ که من در آن زمان وی را بسیار می‌دیدم. فرانسه را تا اندازه‌ای خوب می‌دانست و مقالات (میشل) حاجیان را به فارسی روانی ترجمه می‌کرد. اداره‌ی این روزنامه در یکی از کوچه‌های فرعی ضلع شرقی لاله‌زار بود که به آن کوچه‌ی حاج معین‌التجار بوشهری می‌گفتند... من هم بیشتر شب‌ها با ایشان همکاری می‌کردم. مرحوم میرزا علی‌خان مرد بسیار آرام و بسیار فروتن و باذوقی بود."^۳

میرزا علی خان همچنین در کنار سایر نشریات مدیر مسؤولی روزنامه‌ی ایران را که بین سال‌های ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۴ هـ. ق منتشر و چاپ می‌شد برعهده داشت. مقالات سیاسی و اجتماعی و کوبنده‌ی وی سرکشان و ستمگران را به‌سزوه آورده و همچنین نکات اخلاقی و اجتماعی او

۱- روزنامه‌ی صبح صادق، صاحب امتیاز مرتضی قلیخان موبد الممالک، نمره ۱۲۱، چهارشنبه ۲۵ رجب ۱۳۲۵ ق، ص ۱-۲.
۲- در زمان جنگ جهانی اول که هنوز نسبت خانوادگی و فامیلی مرسوم و قانونی نشده بود میرزا علی‌خان با نسبت زنجانی در تهران معروف بود و اکثر مقالات خود را در روزنامه‌های آن عصر با عنوان میرزا علی زنجانی یا علی ابن یوسف زنجانی تقریر می‌نمود.

۳- سعید نفیسی، خاطرات سیاسی، ادبی، جوانی، به کوشش علیرضا اعتصام، نشر مرکز، تهران، سال ۱۳۸۱، صص ۳۲۹-۳۳۱.



بهترین راهنمای جویندگان علم و عمل بود. میرزا علی‌خان خطیبی به همراه همشهری و از منسوبین سببی خود یعنی میرزا عیسی‌خان قانونخواه زنجانی در سال ۱۳۰۲ شمسی اقدام به انتشار روزنامه‌ای تحت عنوان "ناصرالمله" در تهران کردند. میرزا عیسی قانون‌خواه با توجه روحیه آزادی‌خواهی و به‌علت خدماتی که در انقلاب مشروطه در تهران و زنجان داشت و همیشه یار و یاور مردم و ملت ستم‌دیده بود لذا از طرف مشروطه‌خواهان بعد از پیروزی مشروطه به لقب ناصرالمله^۱ ملقب گردیده بود. میرزا علی‌خان خطیبی سمت سردبیری این روزنامه را هم در تهران به‌عهده داشت. شماره‌ی اول این روزنامه در ۸ صفحه به قطع بزرگ و با چاپ سربی در مطبعه‌ی بوسفور طبع و در تاریخ یکشنبه ۱۷ آذر ۱۳۰۲ برابر با ربیع‌الثانی ۱۳۴۲ و ۹ دسامبر ۱۹۲۲ توزیع گردید.

بنا به نوشته‌ی محمد صدرهاشمی در کتاب تاریخ جراید و مجلات طرز انتشار روزنامه‌ی ناصرالمله بصورت هفته‌نامه بوده و محل توزیع آن خیابان جباخانه مقابل سبزه‌میدان بوده است. وجه‌اشتراک نشریه در تهران ۵ تومان و در خارج ۶ تومان بوده و قیمت تک شماره‌ی آن هشت شاهی بوده است.^۲ این هفته‌نامه تا ۱۹ شماره در تهران چاپ و منتشر گردید و مورد استقبال مردم قرار گرفت، ولی با توجه به مقالات کوبنده و آگاهی‌بخش آن پس از انتشار شماره‌ی نوزدهم در تاریخ ۲۱ تیر ۱۳۰۳ تعطیل گردیده و از انتشار مجدد آن در تهران ممانعت به عمل آمد.

محمدعلی‌خان سدیدالسلطنه در سفرنامه‌ی خود یادداشت‌های تهران مربوط به سال‌های ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ش به میرزا علی‌خان خطیبی اشاره کرده و می‌نویسد:

"۱۴مضان، جمعه ۲۵ بهمن... امروز عصر هوا ابر و نم‌نم باران در تراوش است. به کافه ریحانی رفتم و اشخاص ذیل را ملاقات نمودم آقا میرزا علی‌خان زنجانی معروف به خطیبی، آقا میرزا آقا خان پورتوانا و ثوق نظام که کوچه‌ی وثوق نظام در خیابان شیخ منسوب به اوست." سپس در ادامه می‌نویسد: "۱۵مضان، ۲۶ بهمن، عصر به کافه ریحانی رفتم... معلوم شد میرزا علی‌خان

۱- در آن دوره القابی مانند ناصرالدین یا ناصرالدوله بیشتر مورد استفاده بزرگان قرار می‌گرفت، لذا افکار آزادیخواهان علی‌الخصوص روزنامه‌نگاران این بود که گویا هیچ‌کس نیست که ناصر ملت و مردم باشد و عموم را یاری رساند لذا میرزا عیسی قانونخواه خود را ناصرالمله و ناصر مردم ستم‌دیده می‌دانست. میرزا عیسی قانونخواه فرزند آقا نورمحمد زنجانی و زهرا خانم بود و حدود ده ماه بعد از فوت میرزا علی‌خان در تاریخ ۱۹/۱۲/۱۳۱۵ در تهران فوت می‌کند. بعد از فوت آنان متاسفانه روزنامه‌ی پروین خمسه دیگر منتشر نگردید؛ و به بایگانی مطبوعات سپرده شد. روانشان شاد باد.

۲- محمد صدرهاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد ۴، اصفهان، انتشارات کمال، سال ۱۳۶۴، چاپ ۲، ص ۲۵۰.



زنجانی اشعار زیاد از مرحوم میرزا حیدرعلی حاجب^۱ شیرازی پسر آقا محمدجعفر دهدشتی به یاد دارند و حاجب در اواخر حرب عمومی (جنگ بین‌المللی اول) در طهران مرحوم شده است.^۲ همچنین سدیدالسلطنه مجدداً از ملاقاتش با میرزا علی‌خان زنجانی در کافه ریحانی می‌نویسد: "۲۲ رمضان شنبه ۳ اسفند. امروز فقط کافه ریحانی رفتیم. اشخاصی را که ملاقات نمودم حسین‌خان میرشکار رئیس قرق دولتی بود... دو جزء از اشعار حاجب شیرازی را به میرزا علی‌خان خطیب زنجانی دادم که آنچه از اشعار حاجب بیاد دارند و در آن دو جزوه نیست مرقوم داشته که شهشهرانی به طبع برساند."^۳

بازگشت به زنگان و انتشار پروین خمسه

با اوج‌گیری استبداد رضاخانی بعد از سال ۱۳۰۸ مرحوم میرزا علی‌خان خطیبی به همراه میرزا عیسی زنجانی بالاجبار به شهر زنگان مراجعت نموده و آنجا ساکن شدند.^۴ در سال ۱۳۰۹ نشریه‌ی پروین خمسه که نخستین نشریه‌ی محلی ولایت خمسه بود برای تنویر افکار عمومی با همت آنان در شهر زنگان و به صاحب امتیازی میرزا عیسی‌خان قانونخواه زنجانی منتشر گردید و مجدداً در اینجا هم میرزا علی‌خان خطیبی با سمت مدیر داخلی و سردبیری به ارائه‌ی خدمات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی پرداخت. این نشریه به مدت شش سال یعنی تا سال ۱۳۱۵ ش در زنگان چاپ و منتشر می‌شد.

۱- میرزا حیدر علی حاجب شیرازی فرزند محمد جعفر متخلص به حاجب (۱۲۷۱- ۱۳۳۴ ق) شهرت علمی و فرهنگی وی نقاش، خطاط و شاعر بوده و در کناره، از روستاهای مرودشت شیراز به دنیا آمد. با پدر خود به شیراز رفت و علوم ادبی، نقاشی و قلمدان‌سازی را در آنجا آموخت. حاجب در اواسط عمر به تهران آمد و ضمن تحصیل علوم ادبی و عربی، در هنر خط نستعلیق هم تبحر یافت. او در اواخر عمر در سلک صوفیان سلسله ذهبیه درآمد. وی در تهران درگذشت و پس از مرگ جنازه او را در خانقاه متعلق به‌وی به خاک سپردند. از وی دیوان اشعاری به‌جای مانده است، در ایامی که حاجب در تهران مستقر بود به لحاظ داشتن روحیه آزادی خواهی با بیشتر مشروطه خواهان و آزادی خواهان رفت و آمد داشت. میرزا علی‌خان خطیبی به لحاظ علاقه‌ی بسیار به اشعار حاجب با ایشان مراد شده است و از اشعار او در مقالات خود استفاده می‌نمود.

۲- محمد علی‌خان سدیدالسلطنه، سفرنامه سدیدالسلطنه، التدقیق فی سیرالطریق، تصحیح احمد اقتداری، بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۹۲، ص ۴۴۹ - ۴۵۰.

۳- سفرنامه‌ی سدیدالسلطنه، ص ۴۶۱.

۴- میرزا علی‌خان که همکاری تنگاتنگ با جراید اقلیت داشت و مقالات کوبنده علیه استبداد رضاخانی می‌نوشت، در یکی از مقالات خود مستقیماً حکومت استبدادی و خفقان پهلوی را مورد خطاب قرار داده بود به طوری که بعد از قتل مشکوک میرزاده‌ی عشقی ایشان هم تهدید به قتل شده بود لذا بعد از آن تهران را ترک و تا آخر عمر در زادگاه خود شهر زنگان با اهل قلم و مطبوعات محلی همکاری می‌کرد. مصاحبه با حاج حسین آقا خطیبی فرزند ابراهیم خان، مورخ ۱۷ / ۳ / ۱۳۸۸.



شادروان میرزا علی‌خان اگرچه در سه سال آخر عمر به ضعف بینایی دچار گردید لیکن تا لحظات آخر عمر قلم را رها نکرد بطوری که به نقل حاج حسین آقا خطیبی، بسیاری از خبرنگاران و اصحاب مطبوعات تهران رنج سفر به زنجان را تقبل نموده و از ایشان تقاضای راهنمایی در تحریر مقالات و قلم فرسایی در موضوعات مختلف را داشتند و ایشان نیز با کمال سعه‌ی صدر راهنمایی‌های لازم را در نوشتن مقالات مربوطه انجام می‌داد.

بیماری و وفات

ایشان پس از بیماری طولانی سرانجام در صبحگاه روز دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۱۵ شمسی در موطن خود زنجان به رحمت ایزدی پیوسته و با تشییع جنازه‌ی بی‌سابقه‌ی مردم زنجان در قبرستان پایین شهر دفن گردید و عالم مطبوعات را دچار تحسّر و تأسف ساخت. مزار ایشان در قسمت ورودی قبرستان پایین در امتداد غسلخانه‌ی قدیمی قرار داشت و نگارنده چند باری به زیارت قبر ایشان رفتم. متأسفانه در سال ۱۳۸۶ وقتی مجدداً برای دادن فاتحه رفته بودم سنگ قبر ایشان را برداشته شخص دیگری را در آن دفن کرده بودند.

پس از فوت میرزا علی‌خان، روزنامه‌ی پروین خمسه سرمقاله‌ای تحت عنوان “فقدان اسفناک” درج کرد که در این جا آورده می‌شود:

“فقدان اسفناک”

حکم المنیه فی البریه جار
ماهذه الدنیا بدار قرار
آن‌که به صد زبان سخن می‌گفتند
آیا چه شنیدند که خاموش شدند

همانطور که تمام مراحل طبیعی زندگانی از نشو و ولادت و نبوغ و بلوغ جوانی و ضعف و انحطاط پیری در ادوار حیاتی انسان، لایبدمنه است مرگ این ناموس ثابت و لایتغیر الهی و سنت لایزال طبیعی هم حق و لازم بوده هیچ آفریده را از تصادف و وصول به آن چاره‌ای نمی‌باشد. لیکن جای تأسف که اغلب شکار این سیاه هولناک وجودهای ذی‌قیمتی می‌شود که ظهور و بروز



امثال آنها در یک کشور و جامعه محتاج بسی علل و اسباب و مقدمات است که غالباً به یک جا جمع نگردیده تأسف بی‌پایانی را در قلوب افراد حساس ودیعه می‌گذارد. این است صبح دوشنبه ۲۱ اردیبهشت سال جاری دست بی‌انصاف مرگ شخصی فاضل و برجسته (علی خطیبی زنجانی) سردبیر محترم و گرامی جریده‌ی پروین را هدف خود قرار داده یعنی پاکترین و دانشمندترین وجود و شیواترین و نفیس‌ترین خامه را پس از سی سال خدمت متناوب به اغلب مطبوعات دوره‌ی مشروطیت ایران و شش سال خدمت متمادی به عنوان سردبیری جریده‌ی محترم پروین از صفحه‌ی زندگانی محو نمود. فکری روشن و قلبی حساس و کلکی توانا را در آغوش سکوت و خاموشی مطلق قرار داد. زورق پاکترین حیات را در اقیانوس موج و بی‌پایان ابدیت وارد و غرق نمود. علی خطیبی چه کسی بود؟ در بادی نظر ممکن است تصور شود دوستی و خصوصیت شخصی یا حس مجامله و جلب احساسات مدیر محترم جریده‌ی پروین خمسه، نویسنده را وادار به نگارش ترجمه‌ی^۱ فقید شریف محترم نموده، این است با آن که فقید مرحوم در مرکز ایران و مولود و مدفن خود زنجان نزد ارباب سیاست و اصحاب قلم و کیاست بسی معروف است لیکن برای مزید اطلاع عموم و دفع دخل مقدر و ابقای یک یادگاری کوچک ولی سوزناک دو صفحه‌ی مطبوعات با ذکر خلاصه ترجمه‌ی یک حیات شریف و روشن فقید مزبور را به جامعه‌ی معاصر مخصوصاً طبقه‌ی محترم محصلین که خدمات خُدام حقیقی آزادی میهن عزیز ایران مرهون تقدیر ایام آینده‌ی آن طبقه‌ی محترم است معرفی می‌نماید.

فقید مرحوم از خاندان محترم مظفری و خطباء [خطیبی‌ها]، فرزند مرحوم میرزا یوسف خان خطیبی پسر عمومی مظفردولہ‌ی بزرگ است که تقریباً در حدود ۱۲۹۳ هـ ق تولد یافته ایام جوانی را با تحصیلات معمولی دوره‌ی خود طی کرده از ۱۳۱۵ هجری به طهران مسافرت کرده ابتدا مشرف اداره‌ی شکار سلطنتی گردیده بالاخره در ۱۳۲۴ خدمات خود را خاتمه داد.

از ۱۳۲۴ هـ ق دوره ظلمانی و وحشت‌خیز چندین قرن استبداد به پایان رسیده عروس دل‌فریب آزادی و مدنیت، حجاب ظلمت را از چهره‌ی دلربا و عالم آزادی خود برگرفته صحنه‌ی ظالم و مخوف مملکت را نسیم لطیفی که از سایش بال‌های زرین فرشته‌ی نوربخش آزادی در اهتزاز بود معطر و منور نمود. اشخاص زیادی از سال‌های اولی مبارزه‌ی مشروطه و استبداد خامه به دست



گرفته به میدان قلم‌فرسائی وارد شدند. در عرض چندین سال وقایع متوالی این کشور نویسندگان مزبور هرکدام از زیر چرخ سیاست سالم درآمدند به مقامی نائل شده به تناسب استعداد و لیاقت خود مشاغلی را از وکالت و وزارت و ریاست ادارات اشغال نمودند.

مرحوم خطیبی که لاینقطع در جراید مرکزی مدیر و یا سردبیر و یا مقاله‌نویس [بود]، آنی قلم را ترک نگفته در عین حال خدمت به آزادی و دفاع از استقلال کشور و تربیت ابناء وطن را مقصد خود قرار داده و تا لحظات آخرین حیات، مرام مقدس خود را تعقیب نموده و در تمام این مدت با آن که غیر از قلم سرمایه‌ای نداشت ابداً در مقام تحصیل مسند و مقامی از راه مسلک و قلم برنیامده تهی‌دست و بی چیز در عین حال مستغنی و سرفراز زندگی کرده بهترین حظ و لذت خود را در خدمات توعید مخصوصاً دستگیری افتادگان و مساعدت آزادگان جستجو می‌کرد. فقید مرحوم با داشتن رأی روشن و فکر آزاد و اطلاع مبسوط عصری، متدین و خداشناس واقعی بود منتهی برخلاف قاطبه‌ی ریاپیشه‌گان سفیدجامه‌ی سیه‌کار، عبادت و ستایش ذات قدیم سرمدی را در خدمت خلق که بهترین عبادت است دانسته می‌توان گفت که این عبادت حقیقی و روحانی را تا آخرین نقطه‌ی توانایی انجام داده همه وقت وسیله‌ی حمایت عاجز و راحتی مستمند و تشویق مستمند را فراهم می‌کرد.

او با تقریر مقالات فصیح‌هی وطن پرستانه دامن تبلیغ میهن‌پرستی و تربیت جامعه را تا لحظه‌ی آخر از دست باز نگذاشته بالاخره پس از بحران چند روزه‌ی ممتد صبح دوشنبه ۲۱ اردیبهشت نفس آخرین را برآورده عالم فانی را با قلبی راحت و وجدانی آسوده وداع گفته:

آب قطره شد به چشمه و آن چشمه شد بجوی
آن جوی بی‌محیط ازل یافت اقتران

ما نیز به سپاس خدمات بزرگ آن مرحوم به آزادی مطبوعات و تشویق نسل جوان به نیکوکاری و بی‌آزاری، به این شعر شریف رضی که در مرتبه‌ی ابواسحق صابی گفته تمثیل جسته می‌گوییم:

ما کنت اعلم قبلاً دفنک فی الثمری
ان الثری بعلو علی الاطواد



چنانچه خود فقید مزبور هم در مرض موت خود آخرین شعری را که تمثیل جست این قطعه‌ی میرزای حاجب بود که ما برای معرفی طرز فکر و قریحه‌ی فقید مزبور نقل کرده و تأسف نامهی خود را به آن خاتمه می‌دهد.

هر کس اندر این خرابات جهان چون گردباد
چند روزی خاک خورد آخر بخود پیچید و رفت
وقت آن کس خوش که چون برق از گریبان وجود
سر برون آورد بر وضع جهان خندید و رفت^۱

خانواده و وابستگان

اولین همسر میرزا علی خان از منسوبین خطیبی و اهل زنجان بود که پس از مهاجرت به تهران منجر به متارکه شد، دومین همسر وی، مرضیه خانم دختر محمد شفیع خان برادر محمد صادق خان سرورالملک شیرازی^۱ و محل زندگی ایشان در تهران منزل میرزا شفیع خان واقع در خیابان ناصرخسرو، کوچه‌ی مروی، کوچه‌ی نقیب السادات بود (که آن خانه هنوز پابرجاست). میرزا علی خان به همراه همسرش مرضیه خانم در بخشی از آن خانه زندگی می‌کردند و میرزا علی خان از همسرش صاحب فرزندی نشد و یک نفر به نام آقا حسین را در تهران به فرزندی قبول کرده و کفالت او را به عهده داشتند.

یکی دیگر از دختران میرزا محمدشفیع خان، عزیزه خانم معروف به سرور خانم همسر دکتر

۱- پس از اینکه تهران به عنوان پایتخت انتخاب شد تعدادی از نوازندگان و هنرمندان در دوره‌ی قاجار به تهران آمدند. از اولین دسته‌ها که وارد تهران شدند محمدرضا، میرزا محمدشفیع خان، و محمد صادق خان فرزندان عبدالمطلب خان کمانچه‌کش شیرازی بودند. محمداصداق خان نخست پیش پدر خود به نواختن کمانچه شروع کرده سپس معلومات خویش را نزد سنتور خان تکمیل نموده و نوازنده‌ی زبردستی شد. او در ابتدا معروف به آقا محمداصداق سنتورچی، و بعد معروف به رییس شد. سبب شهرتش به رییس به جهت سرپرستی عملی‌طرب (نوازندگان درباری و نقاره‌خانه) دربار ناصرالدین شاه بود. لقب سرورالملک را ناصرالدین شاه به وی داد. او نوازندگی کمانچه را از پدر خود آموخت و سنتور را از حسن خان سنتورچی فراگرفت و چنان در این ساز پیشرفت کرد که بعد از مرگ استاد خود، نوازنده‌ی بنام این ساز شد. محمداصداق خان علاوه بر سنتور، تار، سه تار و پیانو را نیز با مهارت و ظرافت تمام می‌نواخت. او اولین کسی است که وقتی پیانو به ایران آمد با این ساز نغمه‌های ایرانی نواخت. اولین کسی که پیانو را کوک ایرانی کرد و الحان ملی را در آن نواخت سرورالملک بود. سرورالملک با تغییر کوک دو صدای مورد احتیاج موسیقی ایرانی، کوکی را که حالا مشهور به کوک شور است ابتکار کرد. در سفری که میرزا حسین خان سپهسالار، ناصرالدین شاه را به اروپا برد، در مراجعت چند دستگاه پیانو برای دستگاه سلطنتی آوردند که در آن زمان کسی در تهران به نواختن پیانو وقوف نداشت. سرورالملک پس از عمری نسبتاً طولانی در تهران درگذشت.



عبدالرحیم فیلسوف السلطنه (فیلسوف‌الاطباء) فرزند ملا اسماعیل عقدایی یزدی فارغ‌التحصیل از دانشکده‌ی پزشکی فرانسه، پزشک دربار مظفرالدین شاه و از پایه‌گذاران پزشکی قانونی و مؤسسين دادگستری در ایران بود و برادرش میرزا عبدالکریم معتمدالحکماء نام داشت که از اطباء قدیم تهران و از پایه‌گذاران مدرسه‌ی دارالفنون بودند. آخوند ملا اسماعیل عقدایی یزدی فرزند حاجی عبدالملک و او هم نوه‌ی اصلان خان تبریزی بوده است که در قرن یازدهم از تبریز به عقداء یزد تبعید می‌شود که این آخوند ملا اسماعیل از شاگردان علامه‌ی بحرالعلوم^۱ بود و از مستحدثات آن مرحوم مسجد جامع تاریخی یزد است که خود آخوند ملا اسماعیل نیز در آنجا مدفون است.

دیگر دختر میرزا شفیعی خان، راضیه خانم عیال دکتر عبدالحی صفایی از پزشکان نظامی دوره‌ی قاجار و رئیس بیمارستان شهربانی است که زمین بیمارستان شهربانی را وی اهدا نموده بود. توران خانم دختر عبدالرحیم فیلسوف‌الاطباء، اولین همسر ابوالحسن خان فرزند میرزا محمود خطیبی بود.

ضمناً مادر میرزا علی خان خطیبی حلیمه خانم دختر میر عبدالواسع امام جمعه از خاندان حسینی زنجان بود و از میرزا یوسف خان خطیبی سه پسر و سه دختر داشت پسران وی : ۱. میرزا علی خان روزنامه‌نگار معروف مشروطه ۲. میرزا ابوالقاسم خان ۳. میرزا جواد خان و دختران وی : ۱. دنیا خانم عیال حاج عبدالرسول بزرگ که بعد از فوت حاج عبدالرسول به نکاح میرزا جعفر خان اعتضاد همایون درآمد ۲. مریم خانم^۲ عیال حاج میرزا محمد فرزند حاج میر هدایت الله ملک التجار شاخه‌ای از خاندان حاج میر بهاء‌الدین زنجانی ۳. رحیمه خانم که عیال حاج عبدالاحد فرزند حاج شیخ عبدالوهاب از خاندان عطایی بود و فرزندان وی : آقا غلامرضا، زهرا خانم همسر حاج یوسف عطایی^۳، خدیجه خانم عیال کاظم عطایی، مطهره خانم عیال غلامحسین عطایی بودند.

۱- آیت اله سید محمد مهدی (۱۱۵۵-۱۲۱۲ ق) بن سید مرتضی بن سید محمد بروجردی از سادات بروجرذ ملقب به علامه سید بحرالعلوم بوده است.

۲- بر اساس اسناد و مدارک موجود مریم خانم ابتدا همسر میرزا محمد و بعد از فوت او عیال برادر میرزا محمد یعنی سید مرتضی ملک التجار پسر میر هدایت الله ملک التجار بود. حاجی میرزا محمد فرزند ملک التجار زنجانی از مریم خانم فرزند میرزا یوسف خان خطیبی سه دختر داشت: سارا خانم، محبوبه خانم، مخصوصه خانم.

۳- به نقل فرخ عطایی فرزند اصغر آقا فرزند حاج یوسف تاجر فرزند حاج عبدالرحیم تاجر فرزند حاج شیخ عبدالوهاب فرزند ملا عطاءالله زنجانی اجداد آنها از اعراب مهاجر و از همراهان امامزاده حضرت سید ابراهیم در جنگ زنجان بودند و به این واسطه قرن‌ها پس از شهادت آن بزرگوار متولی بقعه‌ی امام زاده حضرت سید ابراهیم (ع) زنجان مخصوصاً در دوره‌ی قاجار بودند. ضمناً آقا فرخ از پدرش اصغر آقا عطایی و او هم از جد بزرگ خاندان عطایی نقل کرد که وقتی در دوره‌ی قاجار برادران



میرزا علی خان خطیبی نفر نشسته در عکس

و وراثت درآمدشان از املاک و روستا را تقسیم می‌کردند درآمد تولیت امام زاده با کل سایر درآمدشان از روستاها برابری می‌کرده است. خاندان عطایی‌های زنجان به واسطه‌ی جد بزرگشان ملا عطاءالله نام خانوادگی عطایی را برای خودشان انتخاب کردند. و محله حسینعلی بیگ "باغ شیخلر و ملا عطاءالله" واقع در قسمت شرقی عمارت ذوالفقاری که هم اکنون نیز به کوچه عطایی معروف است محل اتراق آن خانواده بوده است. مصاحبه با فرخ عطایی مورخ ۱۶ / ۵ / ۱۳۹۳.